

نظام سیاسی تروریستی

(تحلیل سیاست تروریستی دولت اسرائیل)

عبدالناصر حریر*

ترجمه: اصغر افتخاری**

۱۰۳

مقدمه

«پیش دستی یا سبقت گرفتن، معقولترین راه برای هر کس برای گریز از حالت ترس متقابل و تأمین امنیت است. یعنی هر کس باید از طریق زور یا تزویر بر همه آدمیان تا آنجا که می‌تواند سلطه و سروری بیابد، تا حدی که دیگر هیچ قدرتی به اندازه کافی نیرومند نباشد که وی را در خطر بیفکند... [در مجموع] در نهاد آدمی، سه علت کشمکش و منازعه وجود دارد. نخست، رقابت؛ دوم، ترس؛ سوم، طلب عزت و افتخار.»^۱

تصریح ساده و روشن «هابز» در «لوباتان» مبنی بر اینکه رفتار آدمیان بر پایه «ترس»، «رقابت» و «عزت» قرار دارد، متعاقباً در بحث «تئوریه‌های امنیت» مورد توجه قرار گرفته و مشاهده می‌شود که دومین رکن، به مثابه بنیاد نگرش واقع‌گرایانه، برگرفته شده و «سیاست قدرت» از درون آن سر بر می‌آورد. از این منظر، «بیشینه کردن» قدرت به عنوان راه حلی مطمئن برای افزایش ضریب امنیت ملی به شمار می‌آید که تجلی آن را می‌توان در توسعه سلاح‌های نظامی، سیاست بازدارندگی، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های مخرب و... مشاهده نمود.^۳ «تروریسم»

** این نوشتار ترجمه و تلخیصی است از: عبدالناصر حریر، النظام السياسي الارهابي الاسرائيلي: دراسة مقارنة مع النازية و الفاشيستيّة و النظام العنصری فی جنوب افريقيا، القاهرة: مكتبة مدبولی، ۱۹۹۷، ۲۵۶ ص.
** عضو هیأت علمی و دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)
مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل شناسی - آمریکاشناسی، جلد دوازدهم، ۱۳۸۱، ص ۱۲۶-۱۰۳.

از جمله محصولات نامیمون این رویکرد تحلیلی است که در سطوح مختلف «فردی»، «گروهی»، «ملی» و حتی «بین‌المللی» و «جهانی» به کار گرفته می‌شود تا از طریق ایجاد «ترس» و «وحشت» اهداف عاملان آن را محقق سازد. اگرچه از حیث تاریخی، شاهد گرایش افراد و گروه‌های خرد و کلان متفاوت - و با طیف متنوعی از انگیزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی - به این سیاست هستیم، اما آنچه در قرن اخیر جلب توجه می‌نماید، اقبال دولتهای ملی به این سیاست برای تأمین امنیت در دو عرصه داخل و خارج است. نتیجه چنین عملکردی، پیدایش گونه خاصی از نظامهای سیاسی است که به «نظامهای سیاسی تروریستی» (Terrorist Political Systems) شهرت دارند.^۴ با عنایت به دواعی، اصول و ویژگیهای خاص این گونه از نظامها مشاهده می‌شود، دولتمردان مختلفی در گوشه و کنار جهان - آگاهانه یا ناآگاهانه - به سوی آن گرایش یافته، در عمل، «مشی تروریستی» را پیشه خود می‌سازند. «عبدالناصر حریر» با توجه به این واقعیت نسبت به ماهیت و عملکرد «رژیم صهیونیستی» در مقام تدبیر مسایل داخلی و بین‌المللی اش، حساس شده، مدعی است که این رژیم در دسته بندی موجود از نظامهای سیاسی، در زمره «نظامهای سیاسی تروریستی» جای می‌گیرد. تحلیل «حریر» از آنجا که مبتنی بر بحث نظری دقیق و ارایه آمار و شواهد مصداقی کافی و قابل توجه قرار دارد، در خور تأمل و بررسی می‌نماید. وی از جمله محققان «تروریسم شناسی» است که پیش از این با انتشار کتاب «تروریسم سیاسی» (مکتبه مدبولی، ۱۹۹۶) توان و ایده‌های تحلیلی خود را به نمایش گذارده است. نوشتار حاضر در واقع، مکمل آن اثر به شمار آمده و از اتقان نظری خوبی برای تحلیل داده‌های تاریخی درباره تروریسم، برخوردار است.

الف . چارچوب نظری

۱ . تعریف

اگرچه تعاریف مختلفی از واژه «ترور» (الارهاب) ارایه شده، اما بنیاد لغوی تمامی آنها یکسان و مبتنی بر ایجاد «ترس» و «وحشت» است. بر این اساس، می‌توان «تروریسم» را چنین تعریف کرد:

♦ اسرائیل شناسی - آمریکا شناسی

«استفاده - یا تهدید به استفاده - از زور و روشهای غیرقانونی برای ایجاد فضای مبتنی بر ترس و وحشت تا از این طریق، عاملان آن بتوانند مخاطب خود را وادار سازند که به خواسته های ایشان گردن نهند.»

این تعریف، تروریسم را از واژگان هم خانواده اش چون «اجبار سیاسی»، «جرایم سیاسی» و «جرایم دستگاه رسمی» که در هدف و یا روش، مشابه ترور هستند، متمایز ساخته، امکان آن را برای ما فراهم می آورد که به طور مستقل از ارتباط «نظام سیاسی» با «تروریسم» سخن بگوییم.^۵

۱۰۵

۲. گونه شناسی

معیار گونه شناسی تروریسم، متعدد و متنوع است. در یک تقسیم بندی کلان می توان، چهار معیار «تاریخی»، «عامل اجرایی»، «قلمرو عملیاتی» و «ماهوی» را از یکدیگر تفکیک کرد. جدول شماره ۱، گونه شناسی تروریسم براساس معیارهای چهارگانه فوق الذکر را به شکل مختصری می نمایاند.

۳. نظام سیاسی تروریست

اطلاق وصف «تروریست» بر یک نظام سیاسی، مبتنی بر وجود چند ویژگی اساسی در آن است که عبارتند از:

۱. وجود نظم سیاسی مبتنی بر «وحشت»

تجلی چنین نظمی را در عصر حاضر «نژاد پرستی» در معنای عام آن شکل می دهد. بدین معنا که نوعی نگرش خاص نزد دولتمردان وجود دارد که بنا به علتی - اعم از قومیتی، عقیدتی، نژادی و ... - ایشان را بر غیر ایشان، برتری می بخشد. استفاده خشونتبار از «قدرت» بر ضد «دیگران» از همین «احساس» و «باور» تغذیه کرده و توجیه می گردد.

۳. ۲. «دشمن‌انگاری»

چنین نظام‌هایی نسبت به طرف مقابل خود، احساسی مبتنی بر «دشمنی» دارند و انگیزه و رفتارهای او را در قالب این الگو ارزیابی می‌نمایند. چنین احساسی معمولاً از مویذات تاریخی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برخوردار است؛ بنابراین، مشاهده می‌شود که به شکل دامنه‌داری در درون نظام سیاسی ریشه دوانده، به بخشی غیر قابل انفکاک از آن تبدیل می‌شود. خلاصه کلام آنکه، نظام سیاسی تروریست، «من» خود را در تضاد با «من» طرف مقابل خود که آن را «دشمن» می‌پندارد، تعریف کرده و می‌شناساند.

۳. ۳. تمسک به نظامیگری

در نتیجه دو اصل پیشین، نظام سیاسی تروریست «تقویت» توان نظامی را به مثابه حیاتی‌ترین اصل اجرایی در سیاست امنیتی خود، تعقیب می‌نماید. به عبارت دیگر، گذشته از دعاوی صلح طلبانه این گونه از نظام‌های سیاسی، آنچه در عمل به اجرا در می‌آید، «کاربرد زور» برای حل مشکل است. در چنین جوامعی، اقتصاد به میزان زیادی با «نظامی‌گری» پیوند خورده آن را به یک «صنعت» سودآور تبدیل می‌سازد. افزون بر آن، «امنیت»، دغدغه تمامی اقشار تلقی شده و به نوعی ایده «ملت مسلح» دنبال می‌شود؛ به همین دلیل، نظامیان از جایگاه درخوری در نظام سیاسی برخوردار هستند و «توان نظامی» در حد بالایی از توسعه و پیشرفت قرار دارد.

۳. ۴. تبلیغات مبتنی بر وحشت

هرگونه برنامه و سیاستی که با کاربرد کلمات، تصاویر و ... به دنبال ترویج ایده و نگرشی خاص باشد، از آن به تبلیغات یاد می‌شود. نظام‌های سیاسی تروریست، غالباً از این روش در حیطه داخلی و خارجی جهت توجیه سیاست‌های خود و پوشاندن اهداف واقعی شان بهره می‌جویند. بر این اساس، حجم بالایی از تلاش دولت با استفاده از ابزارهای سمعی، بصری و ارتباطاتی، صرف تهییج روحیه نظامی‌گری، انحراف و اقناع افکار عمومی و هجمه به «دشمن» در سطح منطقه ای و بین‌المللی می‌شود.^۶

ب. عملکرد تروریستی رژیم صهیونیستی

حال با توجه به شاخصهایی که گفته شد، می توان به بررسی وضعیت رژیم صهیونیستی و ارزیابی آن از حیث میزان التزام آن به اصول و مبادی تروریستی اقدام نمود.

۱. نژاد پرستی

کمتر نظامی را در جهان معاصر می توان سراغ گرفت که به اندازه رژیم صهیونیستی بر آموزه های نژادپرستانه - که بنیاد «وحشت گرایی» را شکل می دهد - متکی باشد. این گرایش در سطوح و ابعاد مختلف جامعه و حکومت اسرائیل به وضوح قابل رؤیت است که بارزترین آن، «سطح فردی» و اعتقاد به برتری امت یهود بر سایر امتهای است. این ایده در حوزه اجتماع و سیاست، تجلی یافته و مقوله «شهروندی» را متأثر ساخته که نتیجه آن، خارج ساختن طیف وسیعی از فلسطینی ها، اعراب و حتی یهودیان از دایره تنگ «شهروندی» است. با توجه به برنامه های تبلیغاتی رژیم، چنین استنتاج می توان کرد که بسط ارزشهای فرهنگی مبتنی بر «برتری یهودیان» - به ویژه در خلال برنامه های آموزشی در دوره تحصیل - سومین ضلع «وحشت گرایی مبتنی بر نژاد پرستی» را در اسرائیل شکل می دهد. مظاهر این اصل در جامعه اسرائیل بسیارند که از آن جمله می توان به نمودهای سیاسی (از قبیل محروم کردن بسیاری از ساکنان این جامعه از جمیع حقوق سیاسی - اجتماعی شان، ایجاد اکثریت مصنوعی و تحت شعاع قرار دادن جمعیت عرب و مسلمان، تبعیض در پرداخت مالی، حقوق کاری متفاوت، جدول مالیاتی غیر یکسان برای شهروندان) و نمودهای اجتماعی (همانند ممنوعیت ازدواج یهود با غیر آن، تعیین اماکن مشخص برای اسکان اعراب و غیر یهودیان، تبعیض در ارائه خدمات شهری به ویژه در حوزه بهداشت و تعلیم و تربیت) اشاره کرد. گفتنی است که تبعیض، چنان در درون این نظام سیاسی ریشه دوانده که نمی توان آن را تنها به رابطه بین یهودیان با غیر ایشان منحصر نمود. به عنوان مثال، می توان به تبعیض بین سه دسته از شهروندان (یهودیان غربی، یهودیان شرقی و اعراب) اشاره کرد که شهروندان درجه اول، دوم و سوم این جامعه را تشکیل می دهند. چنانکه مشاهده می شود، تبعیض در میان جامعه یهودی، نیز نمود

دارد و به شکل برتری دادن «اشکنازی‌ها» بر «سفاردی‌ها» (غربیها بر شرقیها) تجلی می‌یابد.^۷ خلاصه کلام آنکه، نظام سیاسی حاکم بر اسرائیل به معنای کامل کلمه، نظامی نژادپرست ارزیابی می‌گردد که این ویژگی در تمامی سیاستهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اش نمود تام دارد. علت اینکه نژادگرایی به عنوان یک اصل اولیه در این نظام پذیرفته شده است، به تأیید آن از سوی منابع مختلف دینی، فکری، تاریخی و سیاسی - به صورت توأمان - برمی‌گردد. بدین صورت که:

یک . مطابق آموزه‌های دینی، صهیونیست‌ها بر این باورند که «یهودیان» امت برگزیده خداوند جهت سیادت بر سایر امته‌ها هستند. مفسران دینی یهود در این امر تا به آنجا پیش رفته‌اند که از آیات الهی، شواهدی را ذکر می‌کنند مبنی بر اینکه خداوند نیز خود را یهودی خوانده است. بر این اساس، «روح الهی» در امت یهودی به صورت ویژه‌ای حلول کرده و همین امر ایشان را از دیگران متمایز می‌سازد.^۸ از میان باورهای دینی ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- خداوند غیر یهودیان را به شکل انسان آفریده تا صرفاً به کار خدمتگزاری یهودیان - که همه چیز برای ایشان خلق گردیده - باشند؛
 - بهشت، جایگاه ارواح یهودی است، بنابراین، آنجا محل اسکان کسی نیست، مگر آنکه یهودی باشد؛
 - تفاوت انسان با حیوان، همانند تفاوت یهودی با دیگر گروه‌هاست؛
 - یهودیان شایسته است که با مسیحیان، چونان حیوانات بدون عقل برخورد نمایند؛
 - هر آن کس که به دین یهود نباشد، همچون حیوانی نجس است؛
 - اسرائیلی‌ها نزد خداوند از فرشتگان معتبرترند، بنابراین، هر آنکس که به اسرائیلی‌ای ضربه و لطمه‌ای وارد آورد، چنان است که گویی عزت الهی را به چالش فراخوانده و مستحق مرگ است؛
 - زندگی غیر یهودیان در کف یهودیان است، چه رسد به اموال ایشان.^۹
- دو. بنیاد تاریخی و میراث بر جای مانده از گذر تاریخ - به زعم اندیشه‌گران

صهیونیست - دلالت بر آن دارد که یهود از دیگران متمایز بوده است. در این ارتباط، ایشان انبوهی از اسناد و مدارک تاریخی مربوط به جوامع مختلف را گردآوری و ارایه نموده اند که تماماً دلالت بر عدم اختلاط یهودیان در این کشورها و پرهیز آنها از استحاله شان در درون اکثریت دارد. بر این اساس، برتری یهود، مانع از این استحاله شده است.^{۱۰} سه. از حیث سیاسی، آمیزه ای از اهداف استعماری، قومیت‌گرا و حتی شخصی، مؤثر بوده است تا با ترویج این برتری و دامن زدن به آن، زمینه مناسب برای سرکوب فلسطینی‌ها و اخراج آنها از سرزمینشان و در نهایت، توجیه سیاست اشغالگرانه صهیونیست‌ها، فراهم آید. بر این اساس، سیاست مبتنی بر زور این رژیم، بسان اقدامی عملی برای تحقق اراده الهی تلقی شده و سعی می‌شود از این طریق، اغراض فاسد صهیونیست‌ها محقق گردد.^{۱۱} با توجه به توضیح بالا مشخص می‌شود که رژیم صهیونیستی در بنیاد، «نژادپرست» بوده و این نژادپرستی به وضوح - حتی در عصر حاضر که ظاهراً در تقابل جدی با سیاستهای نژادپرستانه قرار دارد - در ابعاد مختلف زندگی شهروندان نمود دارد. افزون بر اینها، چنین به نظر می‌رسد که نژادپرستی، عامل مقوم این نظام سیاسی به شمار می‌آید؛ بنابراین، نه تنها امیدی به تضعیف یا زوال آن نیست، بلکه در سالهای آتی باید منتظر تقویت و گسترش این سیاست هم بود.

۲. دشمن‌انگاری

چنان که بیان شد، دومین شاخصه اصلی نظامهای سیاسی تروریست، انکای آنها بر اصل «دشمن‌انگاری» است که در نظام سیاسی صهیونیستی به شکل آشکاری نمود دارد. اگرچه بحث و شواهد مربوطه در این قسمت بسیار زیاد و طولانی است، اما به اجمال می‌توان گفت که نگرش دشمن‌پنداری در سطوح مختلف جامعه اسرائیلی ریشه دوانده است. به عنوان مثال، در سطح فردی با این اعتقاد صهیونیست‌ها مواجه هستیم که ایشان «غیر یهودیان» را - به طور عام و «اعراب» را به طور خاص دشمن خود می‌دانند که باید روزی بر آنها غلبه کنند. از نظر سازمان سیاسی - اجتماعی نیز، ساخت رژیم صهیونیستی و برنامه‌اش برای اداره جامعه به گونه‌ای است که در نهایت به «سرکوب» و «نابودی» بخشی از شهروندان این جامعه منتهی

می‌شود. اتخاذ چنین سیاستی، حکایت از آن دارد که دولت، غیر یهودیان - و به ویژه اعراب - را نه «شهروند»، بلکه «دشمن» تلقی می‌نماید که در صورت امکان باید از شر ایشان خلاص شد. گذشته از تأسیس سازمانهای ویژه برای کنترل غیر یهودیان، می‌توان به نحوه برخورد دولت اسرائیل با نهادها و سازمانهای غیریهودی - اعم از سازمانهای سیاسی مانند احزاب و یا نهادهای فرهنگی خیریه و آموزشی - اشاره کرد که در مجموع، «تضعیف» و «نابودی» آنها را به دنبال دارد. کاربرد آشکار زور در این گونه موارد حکایت از آن می‌کند که دولت اقلیتهای موجود را «خودی» نمی‌پندارد. این نگرش در سطح فرهنگی نیز دیده می‌شود. به همین دلیل، رابطه بین این دو گروه - به زعم صهیونیست‌ها - فقط با «سلاح» مشخص می‌شود و دولت خود را موظف می‌داند که تمام توان مادی و معنوی اش را برای مقابله با ارزشها، مبادی و اصول فرهنگی غیر یهودی به کار گیرد. از این منظر می‌توان فهرست بلندی از عملیات سازمان یافته برضد غیر یهودیان تهیه نمود که طی آن شمار زیادی از غیر نظامیان که بی دفاع بوده‌اند، با بی‌رحمی تمام توسط نیروی نظامی کاملاً مسلح، دستگیر و کشته شده‌اند. کشتارهای دسته جمعی صهیونیست‌ها، از قبیل واقعه دیر یاسین، کفر قاسم، صبرا و شتیلا، فاجعه مسجد الاقصی، جمعه خونین ۲۵ نوامبر ۱۹۹۴ و پانزدهم رمضان ۱۴۱۴، از جمله مصادیقی هستند که این مدعا را اثبات می‌نمایند. نکته قابل توجه، تمسک رژیم صهیونیستی به «اصل امنیت ملی» برای ارتکاب این جنایتها است که دلالت می‌کند که «اعراب» برای صهیونیست‌ها، در نهایت «یک تهدید امنیتی» بیش نیستند. به همین دلیل، این رژیم برای رسیدن به آرمان سیاسی اش (یعنی تشکیل اسرائیل بزرگ)، اهداف اقتصادی (داشتن اقتصاد برتر در منطقه) و تحقق آموزه‌های نژاد پرستانه اش (که پیش از این گفته شد) راه دیگری جز «جنگ» با ساکنان اصلی این سرزمین ندارد؛ تابدین ترتیب، عقاید خود را - به کمک شمشیر - حاکم سازد. بر این اساس می‌توان ادعا کرد که دومین شاخصه - یعنی دشمن انگاری - به معنای کامل آن نزد رژیم صهیونیستی وجود دارد.^{۱۲}

۳. نظامی‌گری

آنچه در نگاه نخست از جامعه اسرائیل به ذهن بیننده بر جای می‌ماند، ظاهر نظامی آن است که در تمام سطوح فردی، سازمانی و رسمی تجلی یافته و از این ملت، ملتی کاملاً مسلح ساخته است. بر این اساس، تمامی افراد، به نوعی در ارتباط با ارتش و مسایل امنیتی هستند و از کودکی با اسلحه و جنگ آشنا می‌شوند. این موضوع در ادارات و مؤسسات رسمی نیز دنبال می‌شود؛ به گونه‌ای که نوعی ارتباط رسمی بین مراکز نظامی با سایر ادارات تعریف شده است. به عنوان مثال، در دانشگاه «العبریه» مشاهده می‌شود که: اولاً بسیاری از نظامیان به صورت بورسیه در آنجا مشغول تحصیل هستند؛ ثانیاً بسیاری از فعالیتهای علمی با اهداف تقویت بنیه نظامی - به ویژه در آزمایشگاههای فیزیک و شیمی - انجام می‌پذیرند؛ ثالثاً دانشکده فن آوری آن به طور مشخص در ارتباط با فن آوری هسته‌ای فعالیت می‌کند و سرویسدهی علمی ارتش را به عهده دارد. این مهم در سایر بخشها نیز به نوعی انجام می‌پذیرد و بدین ترتیب، ساخت سیاسی - اجتماعی را در ارتباط مستقیم با «نظامی‌گری» قرار می‌دهد. بانگاه به فرهنگ عامه و خواص، مشاهده می‌شود که مسئله بالا از حیث فرهنگی نیز به صورت یک هنجار درآمده است و اندیشه‌گران صهیونیستی با ارایه نظریه‌های مختلف، جهت استحکام نظری سیاست نظامی دولت، کوشش می‌کنند که از سوی عموم نیز مورد پذیرش واقع شده است. وجود چنین نگرشی، جامعه اسرائیل را به یک «جامعه ویژه» بدل ساخته است که در آن، «اقتصاد مبتنی بر جنگ»، «ملت مسلح» و «نظام سیاسی جنگ‌اندیش» در رأس امور قرار دارد. به منظور تبیین این موضوع، ضروری است که نگاهی به وضعیت نیروی نظامی اسرائیل بیندازیم که به عنوان «نیروی محوری» در اداره امور جامعه اسرائیل شناخته می‌شود. نکات قابل توجه در این باره عبارت است از:

یک. تأسیس یک نیروی نظامی کارآمد و قوی از نخستین خواسته‌های گروههای صهیونیستی است، که به رغم تطوّر بسیار زیاد آن از ابتدا تا به امروز، پیوسته مد نظر دولتمردان اسرائیلی و در ارتباط نزدیک با نظام سیاسی بوده است. به یک معنا می‌توان ادعا کرد که بزرگان سیاسی رژیم صهیونیستی از درون جامعه اسرائیل نظامی برخاسته‌اند.

دو. ارتش اسرائیل، برنامه نظام وظیفه اجباری را برای تمام مردان و زنان این جامعه در نظر گرفته است که طی آن افزون بر آموزشهای نظامی، عقاید نژاد پرستانه و آموزه های استعماری و جنگ طلبانه نیز تعلیم داده می شود.

سه. ارتش اسرائیل از مجهزترین ارتشهای منطقه به شمار می آید که از پشتوانه علمی - صنعتی خوبی برخوردار است. به عبارت دیگر، حفظ اصل «برتری نظامی» پیوسته در دستور کار این دولت قرار داشته است. در این ارتباط می توان به تعداد قابل توجهی از مراکز پژوهشی - صنعتی اشاره کرد که با صرف هزینه های هنگفت در زمینه سلاحهای پیشرفته نظامی فعالیت می نمایند.

خلاصه کلام آنکه، آرمانهای سیاسی رژیم صهیونیستی موجب شده که این رژیم نسبت به تقویت نظامی خود حداکثر اهتمام را ورزیده و ضمن استفاده از فن آوریهای پیشرفته در این زمینه، نیروی انسانی متخصص قابل توجهی را پرورش دهد. ارتش قوی و مجهز، شهروندانی آگاه به امور نظامی، مسلح کردن ملت برای مواقع ضروری، سرمایه گذاری کلان در حوزه «نظامی گری» و تبدیل آن به یک صنعت سودآور، تماماً حکایت از آن می کند که رژیم صهیونیستی کاملاً یک رژیم نظامی گرا است.^{۱۳}

۴. تبلیغات ایدئولوژیک

بیان این ادعا که نظام سیاسی حاکم بر اسرائیل، دارای یک رسالت کلان دینی - سیاسی است که می طلبد همگان از آن آگاه شده، نسبت به تحقق آن همت گمارند؛ از جمله تجلیات نگرش «ایدئولوژیک» رژیم صهیونیستی به شمار می آید که به طور طبیعی «اقدامات تبلیغاتی» را در اولویت سیاستهای دولتمردان صهیونیستی قرار می دهد. این نظام در بعد داخلی در پی توجیه و ارشاد شهروندان خود برای پذیرش «برتری یهودیان» و «رسالت عالی ایشان» بوده و بدین ترتیب، «هدایت افکار عمومی» را به ویژه به هنگام رخدادهایی چون دیرباسین و سایر کشتارهای جمعی، وظیفه خود می داند. در بعد خارجی، ارایه یک تصویر «عالی» از «ملت اسرائیل» به مثابه «ملتی نمادین» که می تواند

الگوی سایرین قرار گیرد، دنبال می شود. افزون بر آن، مظلوم‌نمایی و بیان اینکه، ملت اسرائیل پیوسته در خطر است و بنابراین، نیازمند «امنیت‌سازی» از طریق «اعمال فشار» در عین «صلح‌طلبی» است، دومین محور اصلی تبلیغات خارجی این رژیم را شکل می‌دهد. در مجموع می‌توان اهداف زیر را برای سیاست تبلیغاتی رژیم صهیونیستی برشمرد:

- یک. از بین بردن دشمنان و همراه ساختن افکار عمومی با این رژیم؛
 - دو. فایق آمدن بر مخالفین داخلی و تثبیت حکومت؛
 - سه. وارونه نشان دادن حقایق و هدایت افکار عمومی در داخل و خارج؛
 - چهار. سرپوش گذاشتن بر روی فعالیتهای نظامی رژیم و دشمن ستیزیهای آن؛
 - پنج. خودنمایی (مظلوم‌نمایی و کسب کمکهای خارجی)؛
- بدین ترتیب؛ مشخص می‌شود که سومین ویژگی نظامهای سیاسی تروریست؛ در نظام سیاسی اسرائیل نیز به صورت قطعی وجود دارد.^{۱۴}

ج. شواهد (۱۹۹۲-۱۹۵۱)

با عنایت به مطالب بیان شده در دو قسمت پیشین، چنین برمی‌آید که نظام سیاسی حاکم بر اسرائیل، یک نظام سیاسی تروریستی به حساب می‌آید. در این قسمت، شواهدی که این مدعا را در عرصه عمل تأیید می‌کند، مرور خواهیم کرد. برای این منظور، دوره زمانی ۱۹۵۱ تا ۱۹۹۲ را برگزیده ایم که به علت فراگیر بودن آن نسبت به عمده تحولات اصلی رژیم صهیونیستی (از شکل‌گیری تا استحکام و توسعه آن)، اهمیت ویژه‌ای دارد و برای بحث حاضر مناسب است. ضمناً از حیث گونه‌شناسی تروریسم، دوران کاملی به شمار آمده، نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی در این دوران از تمامی روشهای تروریستی ممکن برای نیل به اهدافش بهره‌جسته است.

۱. هواپیما ربایی

کارنامه رژیم صهیونیستی در زمینه از بین بردن هواپیماهای مسافربری (برروی زمین و یا هوا) و یا تغییر مسیر آنها و ایجاد رعب و وحشت، در این دوره چشمگیر می‌نماید؛ به گونه‌ای که می‌توان این دولت را از جمله دولتهای فعال در حوزه «هواپیما ربایی» به شمار آورد. جدول شماره ۲، اطلاعات اولیه در این باره را به نمایش گذاشته است.^{۱۵}

۲. گروگان گیری و آدم ربایی

«ایخمان»، «لودفنگ زیند»، «هرتز کروینگ» و «فرزندان بول گیری» از جمله کسانی هستند که توسط کماندوهای اسرائیل در چند عملیات گروگان گیری به سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ ر بوده شده، به فلسطین اشغالی منتقل شدند. افزون بر این، ارتش اسرائیل برای مقابله با معارضین فلسطینی، گروههای ویژه‌ای را ایجاد کرده است که رسالت آنها ربودن و اعدام فعالان سیاسی است. در همین ارتباط می‌توان به «آدم ربایی» های مکرر این رژیم برای استفاده از آنها در جریان «مبادله» اسرای یهودی، اشاره کرد. به عنوان مثال، ارتش اسرائیل، تعداد بسیاری از کودکان اردنی را دستگیر کرده، سپس برای تبادل با اسرای یهودی مورد استفاده قرار داده است.^{۱۶} (نگاه کنید به جدول شماره ۳)

۳. تخریب روستاها و منازل

در ذیل این سیاست، رژیم صهیونیستی ویران سازی روستاها، تخریب منازل و از بین بردن امکانات اولیه زندگی را برای کوچاندن اعراب، پیشه خود ساخته که زیانهای سنگینی را برای مسلمانان به بار آورده است. موارد زیر در این ارتباط، شایان توجه بوده و تروریسم دولتی اسرائیل را تأیید می‌کند:

● در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۹۵۱، دوروستای «قبیه» و «کفر برعم» به صورت کامل ویران شد. افزون بر آن، حداقل ۴۱ خانه و ده مسجد و کلیسا در روستای مجاور آسیب دید.

● در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۹۶۶، روستای «السموع» همراه با ۱۲۵ خانه در روستاهای مجاورش، تخریب گردید.

● در سال ۱۹۶۷، سه روستای اردنی (واقع در مرز) به طور کامل ویران شد. «الزیتیه» و «بیت نوب» و «باللا» طی عملیات تروریستی خونباری توسط مواد منفجره مورد هجوم قرار گرفتند. در این عملیات، اماکن دینی و مذهبی و میراث تاریخی موجود نیز در امان نماندند. طبق آمار موجود، بیش از ۲۴ اثر تاریخی ارزشمند، در این عملیات از بین رفته اند. در همین سال، شهر «قلقیلیه» نیز مورد حملات تروریستی قرار گرفت و ۸۵۰ منزل تخریب شد.

● در عملیات سال ۱۹۶۷، بسیاری از ساکنین و منازل مربوط به اعراب در اسماعیلیه و پورسعید مورد هجوم قرار گرفتند. در سال ۱۹۷۱، دویست خانه مربوط به کشاورزان در روستاهای جنوب لبنان مورد حمله قرار گرفت که آغاز دوره تازه ای از حملات تروریستی نظام مند به شمار می آمد. (نگاه کنید به جدول شماره ۴)

۴. از بین بردن امکانات شهری

● در تاریخ ۱۴/۸/۱۹۵۴، رژیم صهیونیستی در یک اقدام تروریستی بی سابقه با حمله به جایگاه آب غزه، ضمن کشتار کارکنان آن نسبت به تخریب تأسیسات به صورت کامل اقدام نمود. این واقعه تروریستی ضمن داشتن تلفات انسانی، آسیبهای جبران ناپذیری در زمینه خدمات شهری نیز به دنبال داشت.

● در سال ۱۹۵۴، رژیم صهیونیستی در راستای توسعه ارضی عملیات تروریستی خود، اقدام به تخریب و فعالیت در کشورهای دیگر کرد که نمود بارز آن، هدف قرار دادن برخی از مراکز در قاهره است. در این سال، تعدادی از کماندوها و جاسوسان اسرائیلی به مصر اعزام شدند و ضمن شناسایی مراکزی خاص، نقشه حمله به آنجا را تهیه نمودند. این واقعه که به «لافون گیت» معروف است، از نقش لافون، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی در فعالیتهای تروریستی پرده برداشت. اگرچه این اقدام تروریستی توسط مقامات امنیتی مصر کشف و خنثی شد، اما نشان داد که اسرائیل در این زمینه هیچ گونه محدودیتی را برای خود قایل نیست.

● عملیات تروریستی صهیونیست‌ها در مرکز معاملات نفت سوئیس به سال ۱۹۶۷ از جمله عملیات مهم برون مرزی این رژیم است که حکایت از مشی تروریستی آن می‌کند. (نگاه کنید به جدول شماره ۵)

۵. بمباران هوایی

این عملیات از اقبال بیشتری نزد دولت اسرائیل برخوردار بوده، به مثابه یک روش تروریستی کارآمد معمولاً مورد بهره برداری قرار می‌گیرد. در این گونه عملیات، مدارس، شهرها، مراکز نگهداری کودکان، مؤسسات اداری و شهری به صورت یکسان مورد حمله قرار گرفته و در واقع، لطمات جبران ناپذیری را به افراد بی دفاع وارد می‌سازد. (نگاه کنید به جدول شماره ۶)

۶. ترور شخصیتها و رهبران فلسطینی

این گمان که نهضت مقاومت فلسطین مبتنی بر وجود فعالیت چند رهبر فعال در این زمینه است، دولتمردان اسرائیلی را واداشته که نسبت به دستگیری این افراد و سرکوب آنها اقدام نمایند. برای این منظور، گروههای کماندویی ویژه‌ای را تعلیم داده‌اند که به طور مشخص، انجام این ترورها را برعهده می‌گیرند. این روند که از سال ۱۹۵۶ آغاز شده، تا امروز ادامه دارد و هر روز بر شدت آن افزوده می‌شود. (نگاه کنید به جداول شماره ۷ و ۸)^{۱۷}

نتیجه گیری

با توجه به ویژگیهای سه‌گانه نظام سیاسی حاکم در فلسطین اشغالی (یعنی نژاد گرایی، دشمن انگاری و نظامی گری) مشخص می‌شود که رژیم صهیونیستی به معنای دقیق کلمه یک نظام سیاسی تروریستی به شمار می‌آید که جهت تحصیل خواسته‌هایش و ایجاد فضای امن مورد نظرش، از روشهای مختلف و از آن جمله، «تروریسم» بهره می‌برد. افزون بر تحلیل علمی ارائه شده، با مراجعه به عملکرد نظام سیاسی - از زمان تأسیس تا به امروز -

مشخص می‌شود که این سیاست در عمل نیز مورد توجه دولتمردان اسرائیلی بوده است. بدین ترتیب که تروریسم در دو بعد داخلی و خارجی، پیوسته مد نظر ایشان بوده و مشاهده می‌شود که از آن، نخست، جهت سرکوب فلسطینی‌ها و نابودی سازمان آزادیبخش؛ و سپس جهت فایق آمدن بر مخالفان داخلی و استحکام سیطره دولت صهیونیستی، حداکثر استفاده را برده‌اند. به عبارت دیگر، سیاست ترور، عنصری مهم در تئوری امنیت ملی و سیاست ایجاد ثبات در داخل اسرائیل به شمار می‌آید. □



جدول شماره ۱ :
گونه شناسی تروریسم

معیار	انواع	توضیح
تاریخی	تروریسم قدیمی ^(۱)	اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ شیوع داشته و به طور مشخص از آثار شیسم تغذیه می کرده است. استراتژی ایشان «تبلیغات با کشتن» نام داشت که با کاربرد زور عربیان و کشتار بسیار همراه بود. در همین رابطه، می توان به شاخصه های انشعابی از آن چون نهیلیسم اشاره کرد که اثراتی مشابه - به ویژه در روسیه - به جای گذارد. ^{۱۸}
	تروریسم جدید ^(۲)	گونه ای از تروریسم است که در نیمه دوم و سالهای پایانی قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱ (دوران حاضر) وجود دارد. اگر چه این گونه از تروریسم، سابقه تاریخی ای حدود ۳۰ سال دارد، اما به علت ویژگی بارز آن که از شکل فردی خارج شده و ماهیتی جمعی یافته، آن را از گونه های پیشین متمایز و در خور تأمل ساخته است. ^{۱۹}
کارگزار	تروریسم فردی ^(۳)	چنانکه از عنوان آن برمی آید، در این گونه از تروریسم، فرد خاصی به صورت مستقل و یا وابسته به حزب و گروهی، بر ضد دولت اقدام به این کار می کند. از این تروریسم به «ترور از پایین» ^(۴) و یا «ترور سفید» ^(۵) نیز یاد شده است. ^{۲۰}
	ترور دولتی ^(۶)	چنانچه دولتها برای نیل به اهداف خود از ایجاد وحشت در داخل یا در خارج بهره ببرند، این گونه از تروریسم پدید می آید. «تروریسم از بالا» و یا «ترور سرخ» عناوین دیگری هستند که به این گونه اطلاق می گردند. ^{۲۱}
قلمرو	تروریسم محلی ^(۷)	این گونه از ترور در قلمرو داخلی یک دولت و توسط نیروهای عامل داخلی و با انگیزه های محدود و مشخصی صورت می پذیرد. ویژگی بارز این گونه از تروریسم، عدم مداخله نیروهای خارجی در آن است. ^{۲۲}
	تروریسم بین المللی ^(۸)	این گونه از ترور در روابط بین الملل و یا آثار فراملی در سطح منطقه ای و جهانی رخ می نماید. ویژگی بارز آن درگیر بودن دولتهای خارجی در این حوادث به صورت مستقیم و غیر مستقیم است. ^{۲۳}
ماهوی	تروریسم انقلابی ^(۹)	ویژگی بارز این گونه، دست یافتن به تغییرات بنیادین و اساسی از محل ارتکاب این گونه از فعالیتها می باشد. نظامهای مارکسیستی به این گونه، اقبال زیادی داشته اند. اندیشه برخورد خونین با امپریالیسم و سرکوب آن، بارزترین مصادیق این گونه است. ^{۲۴}
	تروریسم واپس گرا ^(۱۰)	تلاش برای صیانت از وضع موجود (مبتنی بر عملکرد نژادپرستانه یا اندیشه های سیاسی متروک و مورد نقد واقع شده) و استمرار بخشیدن به نظامهای سیاسی ورشکسته، شاخصه بارز این گونه از تروریسم را شکل می دهد. ^{۲۵}
	تروریسم قومی - جدایی طلبانه ^(۱۱)	تلاش برای سیادت بخشیدن به گروه قومی خاصی در درون یک واحد سیاسی ملی و یا استفاده از ترور برای تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی و تجزیه طلبی قومی خاص تا بتواند یک واحد سیاسی ملی مستقل را تشکیل دهد؛ از مصادیق بارز این گونه از تروریسم است. این گونه از تروریسم در جهان معاصر، شیوع زیادی دارد. ^{۲۶}

1. Past Terrorism
2. Modern Terrorism
3. Individual Terrorism
4. Terrorism Form Below
5. White Terrorism
6. State Terrorism

7. Domestic Terrorism
8. International Terrorism
9. Revolutonaly Terrorism
10. Reactionary Terrorism
11. Ethnic-Separatist Terrorism

جدول شماره ۲:

آمار هواپیمایی

سال	تغییر مسیر هواپیما با کاربرد زور				آمار هواپیما در آسمان				انفجار هواپیما بر روی زمین				وقایع مربوط به هواپیماهای مسافربری
	زیان مالی	مجروح	کشته	تعداد	زیان مالی	مجروح	کشته	تعداد	زیان مالی (هواپیما)	مجروح	کشته	تعداد	
۱۹۶۸	۱	۷۵	۵۰	۱	-	-	-	-	۱	۱	۵۰	۱	
۱۹۷۳	۱	۴	۱۰۹	۳	-	-	۲	۱	۱	۴	۱۰۹	۱	
۱۹۸۶	-	-	-	۱	-	-	۱	-	-	-	-	-	
جمع	۲	۷۹	۱۵۹	۵	-	-	۳	۱	۱	۴	۱۰۹	۱	

جدول شماره ۳:
آدم ربایبهای رسمی

جمع	گروگان گیری	آدم ربایی	آدم ربایی و گروگان گیری سال
۳	-	۳	۱۹۶۰
۱	-	۱	۱۹۶۲
۱	-	۱	۱۹۶۳
۲	۲	-	۱۹۶۷
۷	۲	۵	جمع

۱۲۰

جدول شماره ۴:
تعداد عملیات تروریستی تخریبی

جمع	تخریب اماکن تاریخی-فرهنگی	تخریب منازل	تخریب تمام یا بخشی از روستا	تعداد سال
۸۳	۲۰	۶۰	۳	۱۹۵۱
۵۳	۱۰	۴۱	۲	۱۹۵۳
۱۲۷	۱	۱۲۵	۱	۱۹۶۶
۱۰۲۱	۲۴	۹۹۴	۳	۱۹۶۷
۲۰۰	-	۲۰۰	-	۱۹۷۱
۱۴۸۴	۵۵	۱۴۲۰	۹	جمع

جدول شماره ۵:
تعداد عملیات تروریستی در زمینه مؤسسات یا مراکز شهری

جمع	مراکز اقتصادی	مراکز فرهنگی	امکانات زندگی	عملیات سال
۲	-	۱	۱	۱۹۵۴
۱	۱	-	-	۱۹۶۷

جدول شماره ۶:
تعداد عملیات تروریستی از طریق بمباران هوایی

مرکز	اماکن اداری	مؤسسات علمی	مدارس	مراکز صنعتی شهری	بیمارستان	عملیات سال
المطلع	-	-	-	-	۱	۱۹۶۷
ابی زعیل	-	-	-	۱	-	۱۹۷۰
بحر البقر	-	-	۱	-	-	۱۹۷۱
-	-	۱	-	-	-	۱۹۸۱
-	۱	-	-	-	-	۱۹۸۵

جدول شماره ۷:
ترور فعالان سیاسی فلسطینی

جمع	رهبران فلسطینی	رهبران و بزرگان عربی	وابستگان نهیضت رهایی بخش در خارج	پناهندگان فلسطینی	شخصیتهای فلسطینی	عملیات سال
۲	-	۲	-	-	-	۱۹۵۶
۶	۲	-	۲	-	۲	۱۹۷۲
۱۲	۳	-	۹	-	-	۱۹۷۳
۱	۱	-	-	-	-	۱۹۷۴
۱	-	۱	-	-	-	۱۹۷۷
۱	-	-	۱	-	-	۱۹۷۸
۴	۲	-	۲	-	-	۱۹۷۹
۱	-	-	-	-	۱	۱۹۸۰
۴۰۰۱	۱	-	۱	۴۰۰۰	۱	۱۹۸۱
۳	۲	-	۱	-	۱	۱۹۸۲
۳	۲	-	۱	-	۱	۱۹۸۳
۱	-	-	-	-	۱	۱۹۸۴
۱	۱	-	-	-	-	۱۹۸۶
۱	۱	-	-	-	-	۱۹۸۸
۱	-	۱	-	-	-	۱۹۹۲
۴۰۴۳	۱۵	۴	۱۷	۴۰۰۰	۷	جمع

۱۲۲

جدول شماره ۸:
آشنایی با ترور شدگان

نام	مسئولیت	روش
۱. مصطفی حافظ	وابسته مصری و مسئول بخش عملیات نهضت مقاومت فلسطین در غزه	—
۲. صلاح مصطفی	وابسته مصری و مسئول بخش عملیات نهضت مقاومت فلسطین در اردن	—
۳. غسان کنعانی	نویسنده فلسطینی در بیروت	بمب گذاری در خودرو وی
۴. دکتر انیس صایغ	مدیر مرکز پژوهشهای سازمان آزادیبخش فلسطین در بیروت	انفجار مواد در محل کارش
۵. بسام ابو شریف	مبارز فلسطینی (در بیروت)	بسته انفجاری
۶. وائل زعیتر	از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین در رم	تیر اندازی مستقیم
۷. ابو خلیل	از رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین در الجزایر	انفجار بسته ارسالی
۸. احمد عوض الله	مبارز فلسطینی (در استکهلم)	بسته انفجاری
۹. محمود الهمشری	از رهبران سازمان آزادیبخش در فرانسه	بمب گذاری در محل استراحتش
۱۰. حسین عبدالخبیر	از رهبران سازمان آزادیبخش در قبرس	بمب گذاری در محل استراحتش
۱۱. باسل القصبی	استاد حقوق و از رهبران سازمان در پاریس	تیر اندازی مستقیم
۱۲. ابو سامی	استاد حقوق و از رهبران سازمان در قبرس	بمب گذاری در محل کارش
۱۳. کمال عدنان، کمال ناصر، ابویوسف	از رهبران فلسطینی	هجوم مسلحانه به منازلشان در بیروت
۱۴. موسی ابوزید	—	بمب گذاری در محل استراحتش
۱۵. محمود ابودیا احد	از رهبران سازمان در پاریس	—
۱۶. احمد بوشیکی	از رهبران سازمان در اسلو	—
۱۷. حسین عباس الشبر	مقیم قبرس	—
۱۸. ابو حسام احد	از رهبران جنبش فتح	عملیات تروریستی در بیروت
۱۹. محمود ولد صالح	از شخصیت‌های عربی که با سازمان آزادیبخش فلسطین همکاری می کرد	—

نام	مسئولیت	روش
۲۰. عز الدین القلق	از رهبران سازمان در فرانسه	عملیات تروریستی در قبرس
۲۱. ابراهیم عبدالعزیز	از رهبران جنبش فتح	عملیات تروریستی در قبرس
۲۲. سمیر طوقان	از اعضای سازمان آزادیبخش	عملیات تروریستی در کویت
۲۳. علی ناصر یاسین	از اعضای سازمان آزادیبخش	عملیات تروریستی در کویت
۲۴. حسن سلامه	از رهبران سازمان در بیروت	انفجار خودرو
۲۵. یوسف مبارک	از شخصیت‌های فلسطینی در پاریس	—————
۲۶. ماجد ابو شرار	مسئول تبلیغات جنبش فتح	عملیات تروریستی در رم
۲۷. دکتر عبدالوهاب الکیانی	از شخصیت‌های فلسطینی	عملیات تروریستی در بیروت
۲۸. نعیم خضر	از رهبران سازمان آزادیبخش در بلژیک	—————
۲۹. نزهه مطر	—————	—————
۳۰. محمد طه	از مسئولان برجسته سازمان	عملیات تروریستی در آلمان
۳۱. فاضل العنانی	از معاونین سازمان	عملیات تروریستی در فرانسه
۳۲. سعید طایل (ابو الولید)	از رهبران نظامی در بقاع لبنان	—————
۳۳. ۴۰۰ تن از پناهندگان فلسطینی	ارودگاه صبرا و شتیلا	—————
۳۴. جمیل عبدالقادر عبدالرب	از شخصیت‌های فلسطینی	—————
۳۵. دکتر عصام سرطاوی	از رهبران سازمان در پرتغال	—————
۳۶. مامون مریش الصغیر	از رهبران سازمان	—————
۳۷. حنا مقبل	دبیر کل انجمن نویسندگان و ناشرین کتاب در قبرس	بمب گذاری در خودرو
۳۸. منذر ابوغزاله	از رهبران نیروی دریایی فلسطین	در منزلش در پایتخت تونس
۳۹. ابو جهاد (خلیل الوزیر)	شخص دوم سازمان	—————
۴۰. سید عباس موسوی و همسر و فرزندش	دبیر کل حزب الله	—————

پاورقیها:

۱. توماس هابز، لویاتان، سی. بی. مکفرسون (ویرایش و مقدمه)، حسین بشیریه (مترجم)، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۷.
۲. جهت مطالعه تفسیری فلسفی و نواز این ایده، ر. ک. استوارت. آر. کنگ، چارچوبهای قدرت، مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹.
۳. ر. ک. اصغر افتخاری، سلاحهای کشتار جمعی: رویکردی آمریکایی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، شماره ۹، ۵.
4. See Eric Morris, *Terrorism: Threat & Response*, Houndmills, Mc Millan: Press, 1987; Yonah Alexander (ed.), *International Terrorism; National, Regional & Global Perspectives*, New York: Praeger Publisher, 1976.
۵. جهت مطالعه درباره تعریف تروریسم، ر. ک.
 - A. Beaujean, *Dictionnaire de la Lanque Francaise*, Paris: Editions Universitaires, pp. 1183-84; *Grand Larousse Encyclopedique*, Paris: Librairie Larousse, 1964, p. 261; Julius Gould (ed.), *A Dictionary of the Social Science*, London: 1964, p. 719.
 - محمدفؤاد الباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۴۵، ص ۳۲۵؛ تدهندرش، العنف السياسي، عبدالکریم محفوض و عیسی طنوس، العربیه، ۱۹۶۸؛ علی منصور، الجرائم السياسية، بغداد: ۱۹۸۵.
 ۶. جهت مطالعه درباره ویژگیهای چهارگانه مربوط به نظامهای سیاسی تروریست، ر. ک. حامد عبدالله ربیع، العنصریه الصهيونیه و منطق التعامل السياسي فی التقالید الغربیه، بیروت: منشورات الصلایع الفلسطینییه، ۱۹۷۹؛ حامد عبدالله ربیع، النموذج الاسرائیلی للممارسة السياسية، القاهرة، البحوث والدراسات العربیه، ۱۹۷۵؛ حامد عبدالله ربیع، اطار الحركة السياسية فی المجتمع الاسرائیلی، القاهرة، دارالفکر العربی، ۱۹۷۸؛ محمد عبدالرحیم عنبر، التمييز العنصری فی افریقیا، القاهرة، الدار القومیة للطباعة و النشر، ۱۹۶۶؛ اسماعیل راجی الفاروقی، اصول الصهيونیه فی الدین اليهودی، القاهرة، معهد البحوث و الدراسات العربیه، ۱۹۶۳؛ مفید شهاب و آخرون، الصهيونیه و العنصریه، القاهرة، دارا النهضه العربیه، ۱۹۶۲؛ مجدی حماد، «النظام السياسي الاستیطانی فی اسرائیل و جنوب افریقیا»، منشورات قسم العلوم السياسية بكلية الاقتصاد جامعة القاهرة، ۱۹۸۰.
 ۷. ابعاد نژاد پرستی در جامعه اسرائیل در منابع زیر مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: العنصریه الصهيونیه...، مرجع سبق ذکره، ص ۱۴۰-۹؛ مفید شهاب و آخرون، مرجع السابق، ص ۵۹-۹؛ مصطفی عبدالحمید، «العنصریه الصهيونیه فی الکتب المدرسیه»، مجله الیقظة العربیه، عدد ۸، ۱۹۹۰؛ جاک تنی، الطابور الخامس لصهیون، محمد سعید عبدالفتاح، القاهرة الدار القومیة للطباع و النشر، ۱۹۶۱، ص ۵۰-۴؛ محی الدین علی عشماوی، حقوق المدنیین تحت الاحتلال الحربی، القاهرة: عالم الکتب، ۱۹۷۲، ص ۵۷۰-۹.
 ۸. العنصریه الصهيونیه و...، پیشین، ص ۱۰۴.
 ۹. مفید شهاب و دیگران، پیشین، ص ۱۰۴.
 ۱۰. همان، ص ۷۰-۶.
 ۱۱. همان.
 ۱۲. جهت تحقیق درباره روح دشمن پنداری حاکم بر این جامعه ر. ک. الاهرام، ۱۹۹۲، ۹، ۱؛ الوفد، ۱۹۹۴، ۳، ۸؛ حامد عبدالله ربیع، الحرب النفسیه فی المنظمه العربیه، سبق ذکره، ص ۸۰-۲؛ حسین الطنطاوی، الصهيونیه و العنف، القاهرة: مطبوعات الشعب، ۱۹۷۴؛ محمد کمال الدسوقی، الصهيونیه و النازیة، القاهرة: دارالمعارف، ۱۹۶۸.
 ۱۳. جهت مطالعه درباره اصل نظامی گری، ر. ک. الصهيونیه و النازیة، سبق ذکره، ص ۵-۱۹۰؛ وجیه ابوذکری، الازهایون الاوائل، جبرانناالجدد، القاهرة: المکتب المصری الحدیث، ۱۹۸۷؛ سعید سلمان، ماذا بعد الازهاب، بیروت: دارازال، ۱۹۸۷؛ حامد عبدالله ربیع، الدعايه الصهيونیه، القاهرة: معهد البحوث و الدراسات العربیه، ۱۹۷۵.

١٤ . جهت مطالعه درباره اصل «تبلیغات ایدئولوژیک»، ر.ک. محمد الخطیب، «اعلام الغد...»، مجلة النيل، العدد ٤٩ ابریل ١٩٩٢؛ الحرب النفسیة...، سبق ذكره، صص ٩٠-٥؛ حسین الطنطاوی، الصهيونیة و العنف، سبق ذكره، صص ٢٥-١٥؛ خضر الدهراوی، «انتشار الارهاب الدولي»، مجلة السياسة الدولية، العدد ٧٧، يوليو ١٩٨٤؛ محمد تاج الدین الحسینی، «مساهمته فی فهم ظاهره الارهاب الدولي»، مجلة الوحدة، العدد ٦٧، ابریل ١٩٩٠ .

١٥ . جهت مطالعه بیشتر و مشاهده ارقام به صورت مبسوط ر.ک.

Leonard B. Weinberg, *op.cit.*, Eric Morris & et.al., *op.cit.*, also:

حسین توفیق ابراهیم، مرجع السابق، صص ١٢، ١٩٩ .

١٦ . جهت مطالعه بیشتر و مشاهده ارقام به صورت مبسوط درباره گروگان گیری و آدم ربایی، ر.ک. حسین الطنطاوی، مرجع سبق ذكره، صص ٣٢٨؛ عادل عبدالعزیز الملیجی، «الاستراتيجية القومية الاسرائیلیة»، رسالة ماجستير غیر منشورة کلیة الاقتصاد، جامعه القاهرة، ١٩٨٥؛ وجیه ابوذکری، الارهابيون الاوائل، مرجع سبق ذكره، صص ١٩٦؛ عبدالوهاب الکیالی، موسوعة السياسة، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر، ١٩٨٥ .

١٧ . جهت مطالعه بیشتر و مشاهده ارقام به صورت مبسوط در خصوص سایر فعالیتهاى تروریستی اسرائیل، ر.ک. معین احمد محمود، الصهيونیة و النازیة، سبق ذكره، صص ٢٠٠-١٠؛ الیاس حنا، الوضع القانوني للمقاومة العربية فی الاراضی المحتلة، بیروت: مرکز ابحاث منظمه التحرير الفلسطينية، ١٩٦٨؛ عزالدین فؤده، الاحتلال الاسرائیلی و المقاومة الفلسطينية فی ضوء القانون الدولي العالم، بیروت، مرکز ابحاث منظمه التحرير الفلسطينية، ١٩٦٩؛ علی محمد علی و ابراهیم الحمصانی، اسرائیل قاعدة عدوانیة، القاهرة: الدار القومية للطباعة و النشر، ١٩٦٤، عصام صادق رمضان، «الابعاد القانونیه للارهاب الدولي»، مجلة لسیاسة الدولية، العدد ٨٥، يوليو، ١٩٨٦ .

١٨ . جهت مطالعه بیرامون تروریسم قديمی، ر.ک. عبدالوهاب حومد، الاجرام السیاسی، بیروت: دارالمعارف، ١٩٦٣ .

١٩ . جهت مطالعه درباره تروریسم جدید و معاصر، نک.

Leonard B. Weinberg & P. Davis, *Introduction to Political Terrorism*, New York: McGraw-Hill, 1989.

٢٠ . جهت مطالعه درباره تروریسم فردی، ر.ک.

Internation to Political Terrorism, op.cit., also:

ف. دینیوف، نظریات العنف فی الصراع الایدیولوجی، سحر سعید، دمشق: داردمشق للطباعة و النشر، ١٩٨٢ .

٢١ . جهت مطالعه درباره دولت تروریستی، ر.ک. صلاح الدین معاصر، المقاومة الشعبية المسلحة فی القانون الدولي العالم، القاهرة: دارالفکر العربی، ١٩٧٧؛ ایضاً:

Eric Morris, et.al., *op.cit.*, pp. 30-42.

٢٢ . جهت مطالعه درباره تروریسم محلی، ر.ک.

Interoduction to Political Terrorism, op.cit., pp. 10-5.

٢٣ . جهت مطالعه درباره تروریسم بین المللی، ر.ک. محمد عبدالمنعم عبدالخالق، الجرائم الدولية، القاهرة، دار النهضة العربیة، ١٩٨٦ .

٢٤ . جهت مطالعه درباره تروریسم انقلابی، ر.ک.

Introduction to Political Terrorism, op.cit., pp. 5-7.

٢٥ . جهت مطالعه درباره تروریسم واپس گرا، ر.ک. همانجا، صص ٥-٧٠ .

٢٦ . جهت مطالعه درباره تروریسم قومیت گرا و جدایی طلب، ر.ک. مارتن لوثر کنج، لماذا نفذ صبرنا؟، عدیله حسن میاس، القاهرة: مؤسسه سجل العرب، ١٩٩٦؛ ابراهیم ابراشی، «العنف السیاسی بین الارهاب و الكفاح المشروع»، مجلة الوحدة، العدد ٦٧، ابریل ١٩٩٠ .